



سپاس از شما



سلام

« اُدْعُونِي » ...

يعني چه؟

« جلسه‌ی هفتم - ۱۹ اردیبهشت: ۱۴۰۰ / رمضان: ۱۴۴۲ »

تا اینجا دانستیم که «**أَدْعُونِي**» یعنی:

همه، همیشه، هر جا باید «**خدا**» را بخواهیم و بخوانیم،

و او را برای «**هیچ چیز**» حتی «**بهشت**» نخواهیم،

و برای «**تقرب**» و «**حجّت** الله و **باب** الله» شدن،

باید^۵ تمام «**موانع**» را از ظاهر و باطنمان دور کنیم.

پرسش ۱:



آیا « حجت و باب الله » شدن
مانع « مصائب » می شود؟ چرا؟

نظر شما؟



تمامِ انبیاء و مرسلین و ائمه اطهار صلوات الله علیهم،

با هزاران «**معجزه**» و «**کرامت**» خود،

با بیشترین «**توهین** و **تحریم** و **زندانی**»،

و «**آزار و اذیت** و **خیانت**» مواجه بودند،

زیرا «**معیت**» الهی، مانع «**آزمایش**» نیست.

پرسش ۲:



ما بر سر چه « سفرهای » هستیم؟

نظر شما؟



وَآتَاكُمْ

مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ (ابراهيم/۳۴)

و از هر چه (به آن نیاز ذاتی داشتید و ناگفته) از او خواستید،
(آن خالقِ علیم حکیم قادر مقتدر) در اختیار شما قرار داده ...

خصوصیتِ این « سفره » چیست؟

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ

لَا تُحْصَوْهَا...

(إبراهيم/٣٤)(نحل/١٨)

لذا اگر نعمتِ خدا را بشمارید نمی‌توانید آنرا به شماره درآورید.

پریشی ۳:



«مهمترین ایرادِ» بشر چیست؟

نظر شما؟



وَآتَاكُمْ مِنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا

إِنْ أَنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

(ابراهيم/۳۴)

قطعا انسان، « به (اینهمه لطف و نعمت و عظمت)، بی‌اعتنا »

و بسیار « حق‌پوش (و ناشکر) » است.

پرسش ۴:



تنها «آزمون و تکلیف» بشر چیست؟

نظر شما؟



إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ... (٢) إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ

إِمَّا شَاكِراً

وَأِمَّا كَفُوراً (إنسان/٣)

ما انسان²³ را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می آزماییم * بدین جهت او را شنوا و بینا قرار دادیم * ما راه را به او نشان دادیم یا قدرشناس است و یا ناسپاس.

انسانِ « **شاگرد** » از هر « **توان** و **امکانی** »،

و در « **هر شرائط** » به ظاهر خوب یا بدی،

« عاقلانه و مؤمنانه و محسنانه » بهره می برد،

و « **آخرت** » خود را با آن « **آباد** » می کند:



یک نمونه:

اللَّهُمَّ؛ لَكَ الْحَمْدُ

حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ

عَلَى مُصَابِهِمْ

خدایا؛ ستایش برای توست،

ستایش آن قدرشناسانی که برای مصیبت آنان، تو را ستایش می کنند.

البتہ «شکر» باید مسئولیت‌آور و «عملی» باشد:

... اَعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا

وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ (سبأ/۱۳)

... ای «أهل عاشقی»؛ (از نعمتها و فضائل الهی) متعهدانه قدردانی کنید،

اما «اندکی از بندگان» من «همواره قدردان» هستید.

« هدفِ اصلی » « ایلیس » چیست؟

إبليسُ گفت: (کاری می کنم که) أَكْثَرُ مردم را « قِردان » نیابی:

قَالَ فِيمَا أُغْوِيْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ (١٦)

ثُمَّ لَا تَبْقَى لَهُمْ: ١- مَنْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ، ٢- وَ مِنْ خَلْفِهِمْ، ٣- وَ عَنْ أَيْمَانِهِمْ، ٤- وَ عَنْ شَمَائِلِهِمْ،

وَلَا تَحِذُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

(أعراف/١٧)

_____ آنگاه از مقابل و از پشت سر و از راست و چپ آنها بر آنها می تازم و بیشترشان را « قِردان » نمی یابی.

در نتیجه همین تلاشِ دائمیِ «**ابلیس**»،

«**تنبلی**» و «**نارضایتی**» و «**غُرزدن**»،

«**ناسپاسی**» و «**دنیاطلبی**» و «**اعتراض**»،

در میان اقشارِ «**مرفّه** و **باسواد**»،

خیلی بیشتر از مردمِ «**فقیر** و **بیسواد**» است.

یک « نمونه »، « ناشکری » رایج:

فَمِنْ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا

وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ (٢٠٠)

وَمِنْهُمْ مَنْ يَقُولُ:

رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً

وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (بقره/٢٠١)

پرسشی ۵:



وَقَالَ رَبُّكُمْ: ادْعُونِي

«اَسْتَجِبْ لَكُمْ»

یعنی چہ؟

آیا حضرت یعقوب علیه السلام،

برای دیدار حضرت یوسف علیه السلام «**دعا**» نکرد؟

آیا حضرت یوسف علیه السلام،

برای رهایی خودش از زندان، «**دعا**» نکرد؟

آیا تمام پیامبران الهی صلوات الله علیهم،

برای هدایت مردم خود، «**دعا**» نمی کردند؟

آیا مادرمان حضرت زهراى أطهر سلام الله علیها،

هر شب تا به سحر

برای نجات مردم از ظلماتِ غفلت و جهالت،

و فهمِ امامت و ولایت، « **دعا** » نمی فرمود؟

آیا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف،

برای رفع غیبت و ظهور حق « **دعا** » نمی کنند؟

آیا این حضرات نازنین و عزیز،
دنبالِ «**اجابتِ دنیوی**» بودند؟

آیا حضرت امام حسین صلوات الله علیه،

در دعای «**عرفه**»،

دنبالِ «**اجابتِ دنیوی**» بودند؟

تمام مسلمانان،

در تمام نمازهای روزانه و شبانه‌ی خود

با گفتن « **اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ** »

دنبال چه « **اجابتی** » هستند؟



« **إجابۃ** » یعنی چه؟

نظر شما؟



« قوای بالقوه » گیاهان و حیوانات و غرائز آدمی،

در هر « محیط مناسبی » شکوفا می شود.

اما « گنج عظیم و بالقوه روح انسان »،

بدون داشتن « معشوق و معبود »، شکوفا نمی شود،

و در پله‌ی « خودپرستی » فاسد شده و می سوزد.

و « تنها راه »

رهایی از پله‌ی « **خودخواهی** »،

و « رشد و شکوفایی و تکامل و تعالی » انسان

فقط « **دعا** » و « **توجه** به **خدا** » است.

لذا « **دعا** » ابرازی از جنس:

« **ناله** و **تضرع** و **غزل سرایی** » میانِ

« مخلوقِ **غریب** » و « خالقِ **قریب** »

و « عاشقِ **غایب** » و « معشوقِ **حاضر** » است.

پس « دعا »:

توجّه « مخلوق به خالق »،

و « اجابت »:

توجّه « خالق به مخلوق » است.

پس وقتی ما (به بهانه خودمان، والدین، فرزندان، دوستان، مردم) دعا می‌کنیم،

قطعاً خالق متعال «سخن ما را می‌شنود»

و این یعنی: دعای ما قطعاً «**إِجَابَت**» شده،

و لایقِ «**تَوْجَّه**» خالق و مولایمان «شده‌ایم،

و به بارگاه با شکوه خداوند، «**بَار**» یافته‌ایم:

فَإِذَا نَادَيْتَهُ سَمِعَ نِدَاكَ
وَإِذَا نَاجَيْتَهُ عَلِمَ نَجْوَاكَ

پس هرگاه او را بخوانی، صدایت را می شنود
و وقتی با او نجوا می کنی، راز تو را می داند.

از منظر قرآن، « تمامِ حوادث »،

« آمپول فشاری » هستند برای:

« ناله و تضرع و مُغازله » مؤمنین،

تا « توجه به خالق »، قلب آنها را پُر کند:

هٰنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ

وَزُلْزِلُوا زُلْزَالًا شَدِيدًا

(أحزاب/ ۱۱)

آنجا (در جنگ^{۴۸} احزاب) مؤمنان، آزمایش و با تکانه‌های شدید غربال شدند.

وَإِذْ تَرَرُ رَبُّكَ فِي نَفْسِكَ
تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُؤُنَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ

بِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ

وَلَا تَكُنْ مِنَ الْغَافِلِينَ (أعراف/۲۰۵)

و صبح و شام خدایت را در خودت با تضرع و ترس بی صدا یاد کن و از غافلان مباش.

و همين « **تضرع** و **دعا** و **نجوا** »

و همين « نگاه مؤمنانه و توجه مؤدانه »،

و « **توفيقِ معاشقه** » با خالقِ جهان،

خودش بهترين « **اجابت** » است:

لذا فرموده‌اند:

مَنْ أَعْطَى الدُّعَاءَ

أَعْطَى النَّاجِيَةَ

پرسش ۶:



آیا امکان دارد

« خداوند **سمیع** »،

« **دعاء** » ما را « **نشنود؟** »

خداوند قطعاً « هر دعایِ (خیری) » را « می شنود »:

إِنْ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ (إبراهيم/۳۹)

أَمْ يَحْسِبُونَ أَنَا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ؟

بَلَىٰ وَرُسُلُنَا لَدَيْهِمْ يَكْتُبُونَ (زخرف/۸۰)

البته « گناهان »،

می‌توانند « نشانیِ گیرنده » را « محو » کنند:

اللَّهُمَّ!

اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ

کدام دعا قطعاً «**إِجابَت** ندارد»؟

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخَزَنَتِهِ جَهَنَّمَ:

ادْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ (٤٩)

قَالُوا: أَوَلَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ؟ قَالُوا: بَلَى، قَالُوا:

فَادْعُوا وَ **مَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ** (غافر/ ٥٠)

و آنها که در آتشند به نگهبانان جهنم می گویند از خدایتان بخواهید تا یک روز از این مجازات را به ما تخفیف دهد * می گویند مگر رسولانتان دلایل روشن برایتان نیاوردند؟ می گویند: چرا. می گویند: پس خودتان بخوانید و بخواهید اما خواسته کافران (و خودپرستان)، « گیرنده » ندارد.

توجه:



« تمام دعاهاى **خیر** »،

« **إجابت قطعى** » دارند،

اما گاهى « **ظهور دنیوی** **إجابت** »،

با « **تأخیر** » یا « **تغییر** » همراه است.

چرا؟

زیرا «اجابت»،

نیازمند است به:

اول: بودنِ « شرائط »،

دوم: نبودنِ « موانع »،

سوم: « مصلحتِ فرد »،

چهارم: « مصلحتِ خلق ».



خدایا!

به ما «**توفیقِ ذکر و تضرع و دعا و نماز**»،

و «**توفیقِ شکر و حمد و تسبیح**» عنایت کن،

تا در این آخرین روزهای ماه مبارکِ «**رمضان**»،

گفتار و رفتار و اخلاقمان را «**قرآنی**» **کنیم**.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُولِكَ مُحَمَّدٍ